

مصادقیابی و ارتباط‌سنجی «امت وسط» و پیروان «ملت حنیف» در نظام قرآنی تمدنی «امت»

کوثر قاسمی^۱، فتحیه فتحاحی‌زاده^۲، حبیب‌الله بابایی^۳

چکیده

امت، کلان‌ترین نظام اجتماعی و تمدنی قرآنی است. عبارت «أُمَّةٌ وَسَطًا» در قرآن کریم (بقره: ۱۴۳) افراد محدودی را مخاطب قرار داده است. خطاب ویژه این آیه در کنار دعوت عمومی قرآن مبنی بر تبعیت از ملت حنیف ابراهیمی در آیه «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (آل عمران: ۹۵)، این سؤال را ایجاد کرده است که جایگاه پیامبر خاتم (ص) و پیروان آن حضرت در کنار سایر پیروان ملت حنیف ابراهیمی در نظام تمدنی امت، چگونه تبیین شده است. **هدف:** هدف پژوهش حاضر، شناسایی مصادیق و ارتباط «امت وسط» و پیروان «ملت حنیف» در نظام قرآنی تمدنی «امت» بود. **روش:** با روش توصیفی-تحلیلی، پس از مفهوم‌شناسی و مصادقیابی «أُمَّةٌ وَسَطًا» و پیروان «ملت حنیف»، ارتباط تمدنی «امت وسط» با «ملت حنیف» پژوهش شده است. **یافته‌ها:** انسانهایی که به ندای فطرت حق‌گرای خویش گوش می‌دهند، پیروان ملت حنیف ابراهیمی‌اند و امت را تشکیل می‌دهند. **نتیجه‌گیری:** اهل بیت (ع) و کارگزاران ایشان در جایگاه «امت وسط»، مردم را هدایت می‌کنند. امت وسط، «خَيْرَ أُمَّةٍ» هستند که با دو ویژگی «يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» در قرآن کریم معرفی شده‌اند.

واژگان کلیدی: امت، امت وسط، ملت حنیف، فطرت، آیه ۱۴۳ بقره، آیه ۷۸ حج.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا. تهران، ایران. Mailto: k.ghasemi@alzahra.ac.ir

۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، استاد دانشکده الهیات دانشگاه الزهرا. تهران، ایران (نویسنده مسئول). نامبر:

mailto: f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir / ۰۲۱۸۸۰۵۸۹۲۳

۳. دکترای تاریخ تمدن و ملل اسلامی، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. قم، ایران. mailto:

h.babaei@isca.ac.ir

الف) بیان مسئله

اسلام، دین خاتم پیامبران و برای همه بشریت است. اجرای دین جهانی، مستلزم قالبی به وسعت کل جهان و به عبارتی، قالبی تمدنی است. تمدن، ابرنظام مناسبات انسانی در حال تحول و تکامل، دارای ویژگی سیستمی و خاستگاه عقلانی است (بابایی، ۱۳۹۳: ۸۹). انسان‌شمولی، گستردگی و سریان تمدن در جوامع بشری، از ویژگی‌های بارز تمدن است (ر.ک: مردن، ۱۳۸۳: ۱۰۲۶؛ کاتزنستین،^۱ 2011: ۲-۱؛ نوروزی فیروزی، ۱۳۹۴: ۱۰۸) که می‌تواند بزرگ‌ترین اجتماع بشری را رقم بزند. نفوذ تمدن سکولار غرب در جوانب زندگی مردم جهان، نمونه بارزی در عصر حاضر است که رقیبی تمدنی را می‌طلبد. بدین‌سان برای پیاده‌سازی دین جهانی اسلام باید آن را در قالبی تمدنی یا شبه‌تمدنی به جهانیان عرضه کرد. برای ایجاد چنین قالبی باید کلان‌ترین قلمرو اجتماعی را در اسلام شناسایی کرد. قرآن، معجزه پیامبر خاتم(ص) به عنوان اولین منبع شناختی و البته هدایتی است که اجتماعات بسیاری را ذکر می‌کند.

از میان مفاهیم اجتماعی قرآن، نظیر بلد، قریه، مدینه و ...، کلان‌ترین و جامع‌ترین واژه مناسب برای جایگزینی تمدن، امت است.^۲ جماعتی از انسانها که به سوی هدف خاصی در حرکت‌اند، امت نامیده می‌شوند. در بررسی نظامواره آیات امت در قرآن کریم، دو مؤلفه مهم «امت وسط» و «ملت حنیف» قابل توجه است. در آیه ۹۵ آل عمران، خطابی جمعی مبنی بر تبعیت از ملت حنیف ابراهیمی مشاهده می‌شود: «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». در آیه ۱۲۳ سوره نحل نیز خداوند به خاتم پیامبران دستور می‌دهد که از ملت حنیف ابراهیمی تبعیت کند: «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا». بر اساس این دو آیه، به نظر می‌رسد نمی‌توان نظام امت را در مسلمانان(پیروان پیامبر خاتم) خلاصه کرد. از سوی دیگر، در آیه ۱۴۳ بقره: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...»، تعبیر «امه وسطا» به کار رفته که پیامبر گرامی اسلام(ص)، «شاهد» بر آنان و آنها خود شاهد بر مردم‌اند. عبارت «امه وسطا» تنها در یک آیه ذکر شده که همه مفسران بر آنند که این جایگاه ویژه، ناظر به گروه خاصی است و همه افراد امت را در بر نمی‌گیرد. شمولیت پیروان ملت حنیف در کنار مصادیق محدود امت وسط، پرسشهایی را به وجود می‌آورد؛ از جمله اینکه: چه کسانی در نظام امت، موظف‌اند از ملت حنیف ابراهیمی پیروی کنند؟ مصادیق

1. Katzenstein

۲. مقاله «امت فراتر از تمدن در آینه قرآن» (نقد و نظر، پاییز ۱۳۹۸)

امت وسط، چه جایگاهی در نظام امت و به تبع، پیروی از ملت حنیف دارند؟ اگر تبعیت از ملت حنیف برای تشکیل امت منسجم توحیدی که مد نظر قرآن است، کفایت می کند، پس جایگاه پیامبر خاتم (ص) و مسلمانان و البته اسلام به عنوان کامل ترین دین در نظام امت کجاست؟ و در یک کلام، رابطه تمدنی امت وسط با ملت حنیف در قرآن کریم چگونه ترسیم شده است؟

به نظر می رسد برای شناخت بیشتر و بهتر نظام امت و رابطه تمدنی امت وسط با ملت حنیف در قرآن کریم، باید اولاً، مصادیق امت وسط و نسبت آنها با سایر افراد امت کشف شود؛ ثانیاً، جایگاه ملت حنیف ابراهیمی با توجه به الزام پیامبر خاتم به پیروی از این آیین، محل تأمل است؛ ثالثاً، نسبت امت وسط و ملت حنیف در نظام تمدنی امت بررسی شود.

هر یک از موضوعات «امت وسط» و «ملت حنیف» به طور مجزا، دغدغه برخی از پژوهشگران قرآنی بوده است؛ از جمله مقالاتی نظیر «امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین» (غیائی و نیازی، ۱۳۹۵)، «دین حنیف از دیدگاه قرآن» (تابان، ۱۳۷۹)، «رهنمودهایی از تفسیر المیزان: امت وسط یا امت واسطه» (سوزنچی، ۱۳۸۶)، «ام القرای پایگاه جهانی امت وسط» (خوشمنش، ۱۳۹۳) و «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع» (احمدی، ۱۳۸۸). هرچند پژوهشهایی درباره امت وسط و ملت حنیف انجام شده، اما هیچ یک با دغدغه تمدنی و نسبت سنجی رابطه میان امت وسط و ملت حنیف تنظیم نشده اند. بنابر این، پژوهشی که به ارتباط «امت وسط» و «ملت حنیف» پردازد، مشاهده نشده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهشها، در بررسی توأمان «امت وسط» و «ملت حنیف» و جایگاه ویژه آنها در نظام تمدنی «امت» در قرآن کریم است. بی شک این پژوهش به همه ابعاد تمدن نظر نداشته و توجه ویژه خود را بر ارتباط تمدنی «امت وسط» و «ملت حنیف» معطوف کرده است. برای رسیدن به این مطلوب، نخست عبارت امت وسط و ملت حنیف مفهوم شناسی شده و سپس با توجه به آیه ۱۴۳ سوره بقره و آیات ملت حنیف، ارتباط ملت حنیف و امت وسط بررسی می شود. امت وسط فقط در آیه ۱۴۳ سوره بقره آمده و ملت حنیف در بیش از ۱۰ آیه قرآن به کار رفته است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، آرای مفسران فریقین را درباره این آیات بررسی کرده است. بدین منظور، برای درک بهتر و جامع تر آیات مورد بحث، ۲۰ تفسیر از تفاسیر متقدم و متأخر شیعی و سنی با دو رویکرد غالب اجتهادی و روایی انتخاب شده اند.

ب) مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی امت وسط

امت وسط، ترکیبی وصفی متشکل از دو واژه «امت» و «وسط» است. ماده اصلی واژه امت به معنای «قصد چیزی کردن» است (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۵۹؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۲۶: ۱۶) و «این معنی در تمامی مشتقات این کلمه همواره وجود دارد» (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱: ۱۴۹). امت به فرد یا جماعتی که به سوی هدف خاصی در حرکت‌اند، اطلاق می‌شود. ریشه «امت» به مرجع، جماعت و دین نیز معنا شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۱)؛ زیرا همه آنها به قصد و هدف خاصی نظر دارد. لغت‌شناسان واژه «وسطا» را به معنای «اسما لما بین طرفی کل شیء» (چیزی که بین دو شیء قرار می‌گیرد) آورده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۲۷۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۸: ۳۵۲). البته در حالت وصفی، معانی دیگری نیز برای آن بیان کرده‌اند؛ از جمله: خیر و نیکوتر (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۰۸)، چیزی که میان خوب و بد قرار دارد (فیومی، ۱۴۱۴: ۹۰۸) و چیزی که بین افراط و تفریط است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۴۲۹). با دقت در همه این معانی، به نظر می‌رسد ریشه معنایی «وسط» همان «میان» و به عبارتی «واسطه» باشد. در تفسیر نمونه، امت وسط به امتی معتدل از نظر عقیده، ارزشهای مادی و معنوی، علم و در یک کلام، معتدل در تمام جهات زندگی و حیات معنا شده است. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۳)

برای دستیابی به جایگاه تمدنی امت وسط در نظام کلان امت، توجه به سیاق آیه ۱۴۳ سوره بقره ضرورت دارد. سیاق این آیه درباره تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به مکه است. آیه قبل، ایراد سفیهان به واقعه تغییر قبله و پاسخ پیامبر (ص) را به آنها ذکر می‌کند. به عقیده علامه طباطبایی، تغییر قبله مسلمانان، انقلابی ایجاد کرد که تغییر هر حکم دیگری، چنین تأثیری بر جامعه مسلمانان نخواهد گذاشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۱۷). بحث درباره حکمت تغییر قبله، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان بوده است؛ اما هیچ یک از نگاه تمدنی بدان نپرداخته‌اند. قرآن، بیت المقدس را قبله مسلمانان می‌خواند (نه قبله یهود) و در پاسخ به یهودیانی که به تغییر قبله ایراد گرفتند، می‌فرماید: «قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ مشرق و مغرب از آن خداست و خداوند هر کسی را که بخواهد به صراط مستقیم هدایت می‌کند. مسلمانان، قبل از این واقعه، با یهودیان به یک سو نماز می‌خواندند؛ اما پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسلمانان هرگز نباید رو به قبله قبلی نماز بخوانند. بنابر این، وحدت قبله مسلمانان و یهودیان، به تفکیک این دو قبله تبدیل می‌شود و گروهی با عنوان «امت وسط»، خطاب می‌شوند که ظاهراً دارای موقعیتی ویژه در

مصادقیابی و ارتباطسنجی «امت وسط» و پیروان ... ♦ ۱۲۵

نظام امت می‌باشند. به نظر می‌رسد جدایی قبله مسلمانان و یهودیان، به جایگاه ویژه مسلمانان و به خصوص مصادیق امت وسط مرتبط باشد.

مفسران به منظور مصادق‌یابی «امت وسط» تلاش کرده‌اند که مهم‌ترین موارد تطبیقی آنان در سه دسته ذیل قرار می‌گیرد.

یک) مسلمانان

برخی از مفسران بر این باورند که «امت وسط»، همه مسلمانان را در بر می‌گیرد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲: ۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۱۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۲: ۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۲). بعضی بر اساس فضای آیه ۱۴۳ بقره (تغییر قبله مسلمانان)، معتقدند امت مسلمان همانند قبله‌شان، میانه‌اند. طبری، سیوطی و بغوی، «وسطا» را به «عدل» معنا کردند. ابن جوزی نیز به نقل از مقاتل، همین معنا را ذکر کرده است. مفسرانی نظیر طبری، معنای «خیر» و «خیر» را برای «وسطا» ذکر کردند. فخر رازی نیز به هر دو معنای «عدل» و «خیر» اشاره کرده است. بعضی نیز وسط را به معنای میانه غلو و تقصیر، یهود و نصاری، افراط و تفریط و توجه به مادیات و معنویات می‌دانند. ابن جوزی نیز علاوه بر آنکه امت مسلمان را میانه یهود و نصاری می‌داند، معتقد است که قبله نصاری سمت مشرق است و قبله یهود سمت مغرب و قبله مسلمانان میانه قرار دارد. بیشتر معتقدان این دیدگاه از اهل سنت‌اند (ر.ک: همان). تفسیر نمونه نیز «امت وسطا» را به «همه مسلمانان» معنا کرده و مصادق کامل آن را اهل بیت (ع) می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۸۳)

ارزیابی: معانی‌ای که برای وسط ارائه شده، قابل جمع است؛ اما همه مسلمانان مصادق امت وسط نیستند. نه تنها همه مسلمانان از یک درجه ایمانی برخوردار نیستند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ...» (نساء: ۱۳۶)؛ بلکه برخی فقط به لفظ مسلمان‌اند و در عمل ایمانی ندارند: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...» (حجرات: ۱۴). طبق نظر برخی تفاسیر، همه امت، عادل نیستند و افراد فاسق نیز در میان آنها هستند. پس خطاب آیه متوجه همه مسلمانان نیست (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۷؛ صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۸۲؛ قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۲۰). امام صادق (ع) می‌فرماید: «اگر گمان کنی خداوند از این آیه، همه اهل قبله را اراده کرده، افترا بسته‌ای؛ زیرا کسی که شهادتش در دنیا برای صاعی خرما پذیرفتنی نیست، چگونه شهادتش در روز قیامت پذیرفتنی است؟! در حالی که هرگز چنین نیست». (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۴۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۲۰)

دو) اصحاب پیامبر، تابعان و اهل سنت

برخی مفسران اهل سنت، امت وسط را اصحاب پیامبر، تابعان و اهل سنت می‌دانند. به عقیده ابوحنیفان، جمهور معتزله برای اثبات اجماع امت به این آیه احتجاج می‌کنند. قرطبی نیز با انحصار مصداق امت وسط در صحابه و تابعان، قول صحابه را درست و حجت می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۵۶). مفسران اهل سنت نه تنها برای چنین اختصاصی از آیه مورد نظر، دلایل محکمی بیان نکردند؛ بلکه برای ارتباط این اختصاص با حجیت اجماع نیز برهانی ارائه نکردند. شیخ طوسی و آلوسی نیز قول حجیت اجماع از این آیه را قبول نمی‌کنند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۰۳)

سه) اهل بیت (ع)

اغلب مفسران شیعی، اهل بیت (ع) را با عنوان واسطه میان پیامبر و مردم، مصداق امت وسط می‌دانند (طوسی، بی تا، ج ۲: ۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۴۳؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۷۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۱۹). برخی از مفسران، معانی عدل و خیر را نیز برای وسط بیان کردند (طوسی، بی تا، ج ۲: ۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۱۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۷۸؛ صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۸۵). به عقیده علامه طباطبایی، وسط بودن مقامی است که شهادت را به دنبال دارد و افراد عادی و حتی مؤمنان مصداق آن نیستند. به عقیده ایشان، مقام کریم شهادت، شأن همه امت نیست؛ بلکه کرامت خاصه‌ای برای اهل بیت (ع) است. علامه طباطبایی این آیه را همانند آیات تفضیل بنی اسرائیل، نسبت دادن وصف بعض به کل می‌داند که خداوند بعضی افراد امت را خطاب کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۲۱)

چهار) نظریه مختار

پژوهش حاضر، در مقام ارزیابی آرای مفسران فریقین بوده و در کنار جمع سایر نظرات، نظریه دیگری را از زاویه تمدنی مطرح می‌کند. مطابق نظرات تفسیری، آیه ۱۴۳ بقره (در مقام بیان فضیلت گروه خاصی)، طیف متغیری از همه مسلمانان تا تعداد اندکی (اهل بیت)، را در بر می‌گیرد. وجه اشتراک تفاسیر مختلف، آن است که مخاطب آیه، قطعاً از مسلمانان (یعنی امت پیامبر خاتم) است و پیروان سایر ادیان، جایگاه امت وسط را ندارند. ضمن آنکه سیاق آیه نیز در مقام بیان تغییر قبله مسلمانان و خطاب آیه متوجه افرادی است که بقیه مشمول آن نمی‌شوند. از سوی دیگر، بیشتر تفاسیر متذکر این نکته شدند که قطعاً در میان مسلمانان، انسانهای فاسق وجود دارند که نمی‌توانند مخاطب این آیه باشند. در بعضی تفاسیر اهل سنت

نیز به وجه گزینشی و اصطفا‌ی امت وسط اشاره شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۹). فخر رازی و بغوی نیز در بیان مراد و منظور آیه ۱۴۳ بقره، به عبارت «لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» (بقره: ۱۳۰) استناد کردند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۸۳؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۹۹). این قراین نشان می‌دهد که همه مسلمانان، مخاطب آیه مذکور نیستند. «اهل بیت (ع)»، رهبر امتها و واسطه فیض الهی در دنیا و آخرت برای تمامی امتها هستند. هر امتی در هر زمان و مکانی از فیضی مادی یا معنوی بهره‌مند شد، از برکت وجودی ائمه اطهار (ع) است. ایشان واسطه همه نعمتهای الهی و از همه بالاتر، نعمت هدایت مردم و حرکت در صراط مستقیم هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۱۰). برخی از علمای اهل سنت نیز بر شأن رفیع ایشان اعتراف کردند. (ابن اثیر جزری، ۷۱۵، ج ۲: ۱۴۰۳؛ شافعی، ۱۴۱۹: ۲۹۵؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۱۰)

با توجه به ضرورت تشکیل جامعه اسلامی، مصادیق امت وسط به اهل بیت (ع) محدود نمی‌شود. فیض کاشانی نیز خطاب این آیه را علاوه بر معصومان (ع)، خواص شیعه می‌داند که با توجه به درجاتشان، در این مقام قرار می‌گیرند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۹۶). پیش فرض مقاله حاضر بر امکان ایجاد تمدنی قرآنی در زمان غیبت معصوم (ع) است؛ حال آنکه با توجه به نظریه سوم (انحصار امت در اهل بیت)، ایجاد نظام امت و به تبع، ایفای نقش امت وسط در زمان غیبت معصوم (ع)، ممکن نیست. آیاتی نظیر «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ» (اسراء: ۷۱) و «وَجَعَلْنَا لِّلْمُتَّقِينَ اِمَامًا» (فرقان: ۷۴) حاکی از نظام سازماندهی شده امام و مأموم است. تعداد معدود امامان معصوم و عدم حضور فیزیکی ایشان در عصر غیبت، امکان تشکیل نظام امت را منتفی می‌کند؛ در حالی که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و حضور حاکمان عادل یا همان امامان امت، اصلی پذیرفتنی است. از سوی دیگر، آیه «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، مردم را در برپایی قسط در جامعه سهیم می‌داند و در آیه «اِنَّ الْاَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) نیز لفظ جمع عباد برای وارثان زمین به کار رفته است. همه این موارد نشان می‌دهند که در کنار نقش عظیم و بی‌بدیل اهل بیت (ع)، بندگان صالحی نیز با عنوان کارگزاران معصومان (ع)، برای اجرای اوامر الهی در زمین وجود دارند. بر این اساس، نگاه فردی به مصادیق امت وسط، به نگاهی جمعی بدل شده تا بتوان زمینه تشکیل نظام تمدنی امت را فراهم کرد.

آیه ۱۴۳ بقره از جایگاه بی‌بدیل دین خاتم پیامبران در ایجاد نظام تمدنی امت خبر می‌دهد و مصادیق امت وسط را به مسلمانان ویژه (نه همه مسلمانان) محدود می‌کند؛ مسلمانانی که از الطاف الهی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) مدد گرفته و امت را در مسیر صحیح راهنمایی می‌کنند. عبارت «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَي النَّاسِ» در توصیف مصادیق امت وسط نیز از ارتباطی

سیستمی با عنوان «شهادت» در نظام امت خبر می‌دهد. پیروان خاص اهل بیت (ع)، در مناصب امت وسط، نقش آفرینی کرده و حلقه واسط سیستم تمدنی‌اند. «آنچه هویت تمدنی را ایجاد می‌کند، شبکه تمدنی است که از طریق چرخش ارتباطی و سیستمی، همه اجزای تمدن را به هم پیوند می‌دهد و با ایجاد هماهنگی و انسجام میان آنها، هویت جمعی و تمدنی را تولید می‌کند.» (بابایی، ۱۳۹۳: ۵۴)

در نظام امت، علاوه بر نظارت درونی، نظارت بیرونی خداوند همواره وجود دارد و شاهدان علاوه بر نقش امام، در جایگاه امت وسط، ناظر (شاهد) بر افراد امت‌اند. سازوکارهای طولی در نظام امت، سیستم تمدنی وسیعی را به وجود می‌آورند. مقام شهادت برای امت وسط، از نظارت‌های طولی خبر می‌دهد که از رأس تا قاعده هرم را پوشش می‌دهند. امر به معروف و نهی از منکر، نمونه‌ای از این سازوکار طولی است که خداوند، کارگزاران آن را «خَيْرَ أُمَّةٍ» (آل عمران: ۱۱۰) خطاب می‌کند. بر این اساس، انسانها در نظام امت نباید از زیردستان خود (از جهت معنوی) غافل باشند و باید افرادی که از درجات بالاتر ایمان و عمل صالح برخوردارند، زیردستان خود را نیز در مسیر صحیح امت راهنمایی کنند. آیه «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۵۹) از امت صالحی در میان قوم موسی (ع) یاد می‌کند که انسانها را به حق، هدایت و عدالت‌ورزی می‌کنند. نکته قابل توجهی در آیه «وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۸۱) مشاهده می‌شود که بر مبنای قاعده «ينطق بعضهم ببعض» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)، تفسیر نیکویی برای امت وسط است. بر اساس الگوی کلی در این آیه، در هر عصری، امتی در مقام امامت و هدایت سایرین، ایفای نقش می‌کند.

ج) مفهوم‌شناسی ملت حنیف

ملت به معنای سنت، آیین و روش (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ۳۲۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵: ۲۵۲) و حنیف به معنای حق‌گرا و معتدل در مسیر مستقیم است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۳۴۴). حنفا، مردمی‌اند که از اغیار روی برگردانده و به سوی خدا آمدند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۵۲۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۰۵). در قرآن کریم، ملت حنیف به حضرت ابراهیم (ع) منتسب شده و با عبارت «ملت ابراهیم» بدان تصریح شده است. هیچ یک از مفسران، در این انتساب تردید نکرده‌اند؛ اما انحصار ملت حنیف در آیین ابراهیم (ع) محل تأمل است. با توجه به آیاتی که پیامبر خاتم (ص) و جماعتی از افراد را به تبعیت از «ملت حنیف» فرا می‌خواند، به نظر می‌رسد ملت حنیف، ناظر به حقیقت دیگری باشد. هرچند حنفا در تاریخچه جزیره العرب پیش از اسلام، تشکیلات سیاسی و نظام‌مند نداشتند (تابان، ۱۳۷۹: ۱۰۲)؛ اما یهودیان و مسیحیان تلاش می‌کردند

خود را در زمره پیروان ابراهیم (ع) معرفی کنند: «ما كان إبراهيم يهودياً ولا نصرانياً ولكن كان حنيفاً مسلماً...» (آل عمران: ۶۷). قرآن نیز هدایت را در پیروی از آیین ابراهیم (ع) می‌داند: «وَقَالُوا كُونُوا هُوداً أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً...» (بقره: ۱۳۵). بنابر این، مقام ابراهیم (ع) و جایگاه آیین حنیف، بسیار عظیم بوده است.

بسیاری از مفسران، حقیقت دین ابراهیم (ع) را خالص از هرگونه شرک (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۴۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۳۹۸) و برخی نیز «الاسلام الخالص الصریح» معنا کرده‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲: ۷۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۵۷۶). حقیقتی در ملت حنیف نهفته شده که در همه ادیان و در آیین رسالتی همه پیامبران، مشترک است و ناظر به دین خاصی نیست؛ زیرا پیامبر ختمی مرتبت نیز به پیروی از آن فراخوانده شده است. در این پژوهش برای دستیابی به مفهوم دقیق ملت حنیف و جایگاه آن در نظام تمدنی امت، ۱۶ آیه قرآن کریم که واژگان «ملت»، «حنیف» و «حنفا» در آنها وجود دارد، بررسی شده است. ملت حنیف، مطابق با فطرت آدمی است (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴: ۲۴۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۳۹۸) و به همین دلیل با عبارت «دین قیم» در قرآن ذکر شده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي...» (روم: ۳۰) و «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً...» (انعام: ۱۶۱). آیینی که مبتنی بر فطرت است، به بهترین وجهی قائم به مصالح دنیا و آخرت انسانی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۱۲۴۰). ملت حنیف، آیینی حق‌گراست که فراتر از مرزهای مکانی و زمانی پا نهاده و انسانهای بی‌شماری را در لوای خود جای می‌دهد. گستره عظیم پیروان ملت حنیف، افراد امت را تشکیل می‌دهند. انسانهایی که شاید در نژاد، زبان و حتی دین با یکدیگر تفاوت‌هایی اساسی داشته باشند؛ اما فطرتی مشترک دارند که آنان را به سوی ملت حنیف سوق می‌دهد. این ترسیم قرآنی از نظام تمدنی امت، بیانگر فرهنگی فرازمانی و فرامکانی با عنوان «ملت حنیف» است. ملت حنیف، ناظر به بعد نظری امت است. «تمدن، متشکل از مجموعه‌ای از نظامهای مختلف است که هر یک دارای دو بعد نظری و عملی هستند. بعد نظری نظامهای تمدنی به عقلانیت فکری و فرهنگی مربوط می‌شود» (بابایی، ۱۳۹۳: ۳۹). شاید تعبیر «زیربنای فرهنگی» برای ملت حنیف دقیق‌تر باشد؛ زیرا در تعریفهای مختلف از فرهنگ، گستره‌ای از آداب و رسومها و رفتارهای فردی، اجتماعی و ... نهفته است که البته از مبانی فکری و نظری جامعه برخاسته‌اند. اینکه جوامع مختلف با تفاوت‌های اساسی در نوع زندگی، رفتار فردی، اجتماعی و ... در کنار سایر جوامع، مجموعه‌ای عظیم را تشکیل می‌دهند که فرهنگی متحد در میان آنها حاکم باشد، جای تعجب نیست. در وضعیت تکثر قومی، مذهبی، زبانی و ...، ملت

حنیف، وحدتی را به وجود می‌آورد که از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود. هرچه گستره تمدن وسیع‌تر باشد، نیاز به وحدت ملموس‌تر است و «ملت حنیف» وحدتی بی‌نظیر در نظام امت ایجاد می‌کند. رمز این وحدت، در فطرت نهفته است.

قرآن، نسخه‌هدایتی است که ملت حنیف را برای همه جهانیان تجویز می‌کند. این حقیقت که همه ادیان قبلی، بشارت دین اسلام را داده‌اند و تنها شریعت کامل و حنیف، اسلام است؛ حنیفیت را به دین اسلام محدود نمی‌کند. پیامبر اسلام (ص)، رحمه‌للعالمین است و پیروان حق‌گرای ادیان گذشته را در لوای جامعه توحیدی جای می‌دهد. تجربه عصر نبوی در تعامل با اهل کتاب، نمونه بارزی از آن است. بی‌شک پیروان حنیف ادیان قبلی، در نظام تمدنی امت سهم دارند. آنها به هر میزان در گرایش، بینش و عمل به امور فطری نظیر ایثار، احسان و عدالت تمایل داشته و از نفس‌پرستی و دنیاپرستی فاصله بگیرند، در درجه‌ای از مراتب تبعیت از ملت حنیف قرار می‌گیرند. بنابر این، سهم شریعت اسلام به عنوان زمامدار و اصل و اساس نظام امت، در کنار تعامل مسالمت‌آمیز با پیروان حنیف ادیان گذشته، حجم وسیعی از انسانهای موحد را به هم مرتبط می‌کند. بر این اساس، شریعت حاکم بر نظام امت، اسلام خواهد بود که کامل‌ترین دین حنیف را ارائه می‌دهد و با تحریک ضمیر خفته انسانها، پایبندی به ملت حنیف را در مقیاس باوری جمعی، در بشریت زنده می‌کند. «هر آنچه تبدیل به باور جمعی در حوزه مدیریت کلان اجتماعی می‌شود، نقش و کارکرد دینی را در آن تمدن بازی می‌کند و همواره در قلب و مرکز آن تمدن نقش ایفا می‌کند» (بابایی، ۱۳۹۳: ۴۴). ملت حنیف نیز هرچند دین جهانی نیست، اما در جایگاه نظام دینی تمدن، نقش آفرینی می‌کند.

د) تبیین جایگاه ملت حنیف و امت وسط در نظام تمدنی امت

«امه وسطا» تنها در یک آیه ذکر شده، اما ملت حنیف در چندین آیه بیان شده است (از جمله: حج: ۷۸). با وجوه مشترکی که بین آیه ۱۴۳ بقره و آیه ۷۸ حج مشاهده می‌شود، نمایی از چهره امت و جایگاه امت وسط و ارتباط تمدنی‌اش با ملت حنیف به دست می‌آید. به جا آوردن حق جهاد در آیه ۷۸ سوره حج در کنار جایگاه ویژه امت وسط به عنوان پیشگامان و الگوهای والا برای سایر مردم، با یکدیگر منطبق است؛ مصادیق امت وسط بیش از هر کسی توانایی و شایستگی دارند که حق جهاد را به جا آورند. وجه برگزیده بودن مصادیق امت وسط با عبارت «هو اجتباکم» (حج: ۷۸) هماهنگی دارد. عبارت «مله ایبکم ابراهیم» (حج: ۷۸) نیز مستقیماً ارتباط این دو آیه را روشن می‌کند؛ ملت ابراهیم، خاستگاه عقلانی نظام امت است

که مصادیق امت وسط، به نحو احسن از آن پیروی می‌کنند. عبارت «هو سماکم المسلمین»، با آیه ۱۲۸ سوره بقره مبنی بر دعای حضرت ابراهیم(ع) منطبق است؛ بی‌شک نمونه‌ی والای مسلم در قرآن، مصادیق امت وسط هستند. قرآن همان‌گونه که در آیه ۱۴۳ سوره بقره، مصادیق امت وسط را با عنوان شاهد خطاب کرده، در آیه ۷۸ سوره حج نیز تبعیت‌کنندگان از ملت حنیف ابراهیمی را شاهد خطاب کرده است. بنابر این، برای درک ارتباط امت وسط و ملت حنیف باید نظرات مفسران درباره‌ی مصادیق آیه ۷۸ سوره حج، بررسی و سپس با نظرات تفسیری آیه ۱۴۳ بقره مقایسه شود تا از این طریق، پیروان ملت حنیف و به عبارتی مخاطبان آیه «فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (آل عمران: ۹۵) نیز کشف شوند. قرآن کریم به مخاطبان این آیه دستور می‌دهد که از ملت حنیف ابراهیمی تبعیت کنند؛ بنابر این، با کشف مخاطبان این آیه، مصادیق پیروی‌کنندگان از ملت حنیف به دست می‌آید. با بررسی تطبیقی آیات ۷۸ حج و ۱۴۳ بقره، سه احتمال ذیل درباره‌ی پیروان ملت حنیف متصور است.

یک) اهل بیت(ع)، تبعیت‌کنندگان از ملت حنیف

آیه ۷۸ سوره حج با عبارت «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ»، جماعتی را مخاطب قرار داده است. به جا آوردن حق جهاد، اجتناب الهی، پیروی از ملت ابراهیم، مسلمان(به معنای تسلیم) و شاهد بر مردم بودن، اوصافی است که قرآن کریم برای این بزرگواران ذکر می‌کند. بعضی تفاسیر با استناد به روایتی از معصوم(ع)، مخاطب آیه ۷۸ سوره حج را اهل بیت(ع) می‌دانند(بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۹۰۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۹۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۵۸۲). با قرار دادن این روایات در کنار روایات آیه ۱۴۳ بقره، چنین دریافت می‌شود که تنها اهل بیت(ع)، از ملت حنیف پیروی می‌کنند. به عبارت دیگر؛ اگر مصادیق آیه ۱۴۳ بقره و آیه ۷۸ حج را منحصر در اهل بیت(ع) بدانیم، پس فقط اهل بیت(ع) توانستند از ملت حنیف تبعیت کنند و حنیف بودن، شاخصه‌ای است که فقط در امت وسط متبلور شده است.

ارزیابی: مطابق روایات، اهل بیت(ع) مصادیق کامل آیات ۱۴۳ بقره و ۷۸ سوره حج می‌باشند. بنابر این، اهل بیت(ع) امت وسط هستند و از ملت حنیف پیروی می‌کنند. اما انحصار این آیات در اهل بیت(ع) محل بررسی است. سیاق آیه ۹۵ سوره آل عمران در مقام پاسخ به یهودیانی است که به پیامبر خدا افترا می‌بستند و خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد در پاسخ به افترای آنها بگوید: «(قُلْ) صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». این خطاب جمعی به یهودیان در قرآن کریم، نشان می‌دهد که سایر مردم نیز توانایی پیروی از ملت حنیف را دارند. به عقیده علامه طباطبایی، ملت ابراهیم، ملت واحده‌ای

است که همه انبیا به آن پایبند بوده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۱۱). مطابق آیه ۶۸ آل عمران: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا...» نیز اتباع از ملت حنیف فقط به مقام پیامبر (ص) یا اهل بیت (ع) خلاصه نمی‌شود، بلکه سایر افراد هم می‌توانند در این جایگاه قرار بگیرند. با توجه به آیه ۱۳۵ سوره بقره که هدایت را در آیین ابراهیم (ع) می‌داند، همه انسانها برای رسیدن به هدایت، باید از آن پیروی کنند. بنابر این، تبعیت از ملت حنیف، منحصر در اهل بیت (ع) نیست.

دو) مسلمانان، پیروی کنندگان از ملت حنیف

بعضی مفسران، مخاطبان آیه ۷۸ سوره حج را مسلمانان می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷: ۱۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۵۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۳: ۲۵۶). عبارت «هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا» در این آیه، دلیلی برای این دسته از مفسران است. برای مثال، فخر رازی مخاطب این آیه را مسلمانان می‌داند و دو قول را برای مرجع ضمیر «هو» در این عبارت ذکر می‌کند. در قول اول، ضمیر به ابراهیم برمی‌گردد و این عبارت، استجابت دعای حضرت ابراهیم (ع) در آیه «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ...» (بقره: ۱۲۸) است و در قول دوم، این ضمیر به خداوند تبارک و تعالی برمی‌گردد. در تفسیر آیه ۱۴۳ بقره نیز بعضی مفسران، مصداق آیه را همه مسلمانان یا حتی اصحاب پیامبر، تابعان و اهل سنت بیان کرده بودند. با کنار هم قرار دادن نظرات تفسیری آیه ۱۴۳ بقره و نظر مفسرانی نظیر طبری، طبرسی و فخر رازی در تفسیر آیه ۷۸ سوره حج، احتمال دوم چنین بیان می‌شود: ملت حنیف در میان تمام مسلمانان ساری و جاری است و همه مسلمانان از ملت حنیف ابراهیم پیروی می‌کنند و از همین راه به مقام امت وسط نایل شده‌اند. بر اساس این احتمال (نظر)، فقط امت وسط که همان مسلمانانند، توانایی اتباع از ملت حنیف را دارند.

ارزیابی: در آیه ۹۵ آل عمران، یهودیان ملزم به پیروی از ملت حنیف شده‌اند؛ پس انحصار تبعیت از ملت حنیف به مسلمانان صحیح نیست و در مقام واقع و دعوت به تبعیت از ملت حنیف ابراهیمی، فراخوان عمومی داده شده است. مطابق آیه ۶۸ آل عمران، معیار ابراهیمی بودن، دین خاصی نیست؛ بلکه هر فردی از هر دینی ممکن است به سبب تبعیت از ملت حنیف ابراهیم، در این جرگه قرار گیرد. البته در ادامه آیه، پیامبر خاتم (ص) و مؤمنان به ایشان را به طور مشخص از پیروان ذکر می‌کند. بی‌شک اگر حنیف بودن را فقط در میان مسلمانان بررسی کنیم، نقش سایر ملتها و جایگاه آنها را در مدار امت نمی‌توانیم نشان دهیم و گویا اصلاً آنها جایی در امت ندارند. اگر امکان آن وجود ندارد که آنها نیز از ملت حنیف

پیروی کنند، چرا قرآن به پیامبر (ص) تأکید می‌کند (بقره: ۱۳۵) در استدلالهایش حنیف بودن ملت ابراهیم را گوشزد کند؟ همه قراین ذکر شده در ارزیابی دو احتمال اول، نشان می‌دهد که امر به تبعیت از ملت حنیف، دایره وسیعی از انسانها را تشکیل می‌دهد که به گروه محدودی خلاصه نمی‌شود.

سه) دیدگاه معیار

بی‌شک اهل بیت (ع) جایگاه ویژه‌ای در نظام امت دارند. اهل بیت (ع) فریادرسان و کشتی نجات بشریت از ظلمات به نور می‌باشند. عادلان و حقوقیوان عالم که در مسیر هدایت مردم، ثابت قدم ایستاده‌اند. اهل بیت (ع) در بالاترین درجه پیروی از ملت حنیف قرار دارند و بزرگانی از مسلمانان نیز همگام با اهل بیت (ع) در جایگاه ویژه امت وسط، در نظام تمدنی امت ایفای نقش می‌کنند.

وجه‌گزینی مصادیق امت وسط از آیات متعددی برداشت می‌شود؛ آیه ۷۸ حج، همانند آیه ۱۴۳ بقره ناظر به جایگاه ویژه اهل بیت (ع) و همگامان ایشان است که با لفظ «هو اجتباکم» بر آن تأکید می‌شود. مفسران فریقین نیز در تفسیر آیه ۱۴۳ بقره به عبارت «وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا» استناد کرده بودند. در آیه ۱۴۲ بقره، عبارت «يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» قبل از خطاب قرآن به «امه وسطا» مشاهده می‌شود و در آیه ۱۶۱ انعام، «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا...» نیز صراط مستقیم با دین قیم و ملت حنیف توصیف می‌شود. در آیات ۱۲۳-۱۲۰ نحل، خداوند حضرت ابراهیم (ع) را به تنهایی یک امت نامیده و لفظ «اجتبا» را برای ایشان، به کار برده است. بر این اساس، افراد برگزیده درگاه الهی؛ یعنی ابراهیم (ع) و یارانش، به صراط مستقیم هدایت شدند و سایر مردم را نیز به صراط مستقیم هدایت می‌کنند.

قانت (فرمانبردار خداوند)، حق‌گرا، توحیدمدار و شاکر واقعی خدا بودن، اوصاف بارز و مهم حضرت ابراهیم (ع) و یاران ابراهیمی اوست که آنان را به چنین مقامی رسانده است. عظمت وجودی حضرت ابراهیم (ع) به حدی است که در زمان خودش، امتی بی‌نظیر بوده و در عصرهای بعدی، ملت حنیف او، آیین همگانی انسانهای آزاده جهان شده است. مطابق آیه ۷۸ حج، درخواست ایشان برای ایجاد امت مسلمه، در عصر پیامبر خاتم مستجاب شد. عبارتهای «مله ایبکم ابراهیم»، «مسلم» و «شاهد» برای مخاطبان آیه ۷۸ حج، این حقیقت را روشن می‌کند که امت وسط، همان شاهدان و امت مسلمه‌ای می‌باشند که قرآن به عنوان نمونه‌های برگزیده برای سایر افراد امت معرفی می‌کند تا همگان در مسیر آنان گام نهند.

مصادیق امت وسط، رهبران سیاسی و معنوی امت اند که با دو ویژگی بارز «یهدون بالحق» و «به یعدلون»، سایر مردم حنیف در نظام امت را رهبری می‌کنند. نظام سازماندهی شده امام و مأموم و نظارت بیرونی خداوند و در راستای آن، نظارت طولی پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) و پیروان خاص ایشان، شبکه‌ای نظام‌مند از امت را ترسیم می‌کند. امت با شبکه‌ای منسجم و پیوسته در راستای نظم حاکم بر جهان حرکت می‌کند. حضور شاهدان در مقام ناظران دنیوی و گواهان آخرتی، گویای تمدن توأمان دنیوی و اخروی است.

شبکه تمدنی امت، سیستمی متمرکز بر پایه نگرشی توحیدی است که در تمامی نظامهای تمدنی امت، اعم از اقتصادی، سیاسی، دینی، معنوی و... جریان دارد و هویتی توحیدی را ایجاد می‌کند. مطابق آیات ۱۳۵ و ۱۳۶ بقره؛ ملت حنیف، وجه اشتراک ادیان الهی است و عبارت «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ»، تأکیدی بر این حقیقت است. در بیشتر آیات، ملت حنیف با عبارتی نظیر «مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» بر وجه توحیدمداری آن تأکید شده است که از فرهنگی توحیدی خبر می‌دهد. خداوند در آیات ۶۴ تا ۶۸ آل عمران نیز اهل کتاب را به حقیقت مشترکی در میان همه ادیان توحیدی دعوت می‌کند: «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ». انسانهای زیادی در گستره وسیع امت قرار می‌گیرند که توحیدمداری، رمز اتصال و وحدت آنهاست. این افراد باید به ملت حنیف پایبند باشند تا بتوانند نقش خود را در مسیر حرکت امت ایفا کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «پس حق‌گرایانه روی دل خود را به سوی این دین کن؛ همان طریقه و آیین فطری خدا که مردم را بر پایه آن آفریده و سرشته است. هرگز تبدیلی در آفرینش خدا نباشد، این است دین ثابت و استوار، و لکن بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم: ۳۰). ملت حنیف از فطرتی برخاسته که خداوند، مردم را بر آن فطرت خلق کرده است. اگر همگان به ندای فطرت پاک خویش پاسخ مثبت دهند، حق‌گرا و توحیدی عمل کرده و به ملت حنیف پایبند بوده‌اند. ملت حنیف، گره مستحکم الهی در میان بندگان است که همانند رشته‌ای به کل ساختار هرم، نظام می‌دهد و همه را به هم متصل می‌کند. اهل بیت (ع) که مظهر توحیدگرایی ناب‌اند، در مرتبه بالای پیروی از ملت حنیف و سکانداری امت قرار دارند، ولی بقیه افراد نیز به فراخور خود از مراتب پایین‌تری از حنیف بودن برخوردارند.

مطابق آیه «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (آل عمران: ۶۸)، پیامبر خاتم (ص) و مؤمنان به ایشان، نسبت به سایر مردم در تبعیت از ابراهیم (ع) سزاوارترند. هنگامی که آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

حَنِيفًا...» (نساء: ۱۲۵) را در کنار آیه «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ» قرار می‌دهیم (آل عمران: ۸۵)، درمی‌یابیم کامل‌ترین و بهترین دین، اسلام است. بدین ترتیب، مسلمانان به سبب تبعیت از پیامبر خاتم (ص)، نسبت به سایر انسانهای حق‌گرای عالم در درجه بالاتری قرار دارند. مسلمانان تقوای پیشه‌ای که به درجه بالای امام امت رسیده‌اند، در جایگاه امت وسط قرار می‌گیرند (نه همه مسلمانان).

در عصر کنونی نیز شخصیت‌های برجسته‌ای در حد و قامت «امت وسط» حضور دارند که همچون «امام» به هدایت همه جهانیان همت می‌گمارند. با پیروزی انقلاب اسلامی و هدایت‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، قلب‌های خفته مردم آزاده جهان بیدار شد. مقام معظم رهبری «بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی» را ضرورت می‌دانند (بابی، ۱۳۹۹: ۴۳۲) و عقیده دارند جوانان ایران روزی را خواهند دید که وعده قرآن «لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» برای آنان تحقق می‌یابد. روزی که جوانان ایرانی به قله‌های افتخار دست یافته و مردم جهان نیز با نگاه به آنها، به سوی قله‌ها حرکت کنند. (بیانات در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر، ۸۹/۹/۴)

ه) نتیجه‌گیری

قرآن کریم، نسخه‌ای فراتمدنی به نام «امت» را بر پایه ملت حنیف ابراهیمی برای بشریت تجویز کرده است. رهبران و کارگزاران نظام امت در آیه ۱۴۳ سوره بقره با عنوان «امت وسط» و با توصیف «شاهدان بر مردم» خطاب می‌شوند. این آیه، سازوکار نظارت طولی هدایت انسانها را مشخص می‌کند. در تمدنهای مادی فقط نظارت بیرونی حکمفرماست و مجریان قانون بشری، انسانها را ملزم به رعایت حقوق دیگران می‌کنند؛ در حالی که انسانها در نظام امت بر اساس نظارت بیرونی و درونی، نه تنها خود را ملزم به رعایت حقوق هموعان خویش می‌دانند، بلکه با تمایل درونی، دیگرخواهی را جایگزین خودخواهی کرده و ایثار و احسان را انتخاب می‌کنند. خداوند متعال، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) (مصدق کامل امت وسط)، همواره افراد امت را هدایت می‌کنند. از میان مسلمانان متقی، انسانهای محدودی برگزیده می‌شوند تا در جایگاه دنیوی «امت وسط» نقش آفرینی کرده و بر اساس آموزه‌های الهی پیامبر و اهل بیت (ع)، مردم را در مسیر صحیح راهنمایی کنند.

مصادیق امت وسط، تربیت‌شدگان مکتب اهل بیت (ع) به عنوان رهبران و فرماندهان میانی امت، خدمتگزار بشریت‌اند. در امت، عشق جایگزین ترس و جبر اجتماعی و نظام تعاملات انسانی بر پایه دیگرخواهی، تکریم و تعالی و خدمت حداکثری به بشریت است؛ در حالی

که تمدنهای رایج با بهره‌کشی از انسانها پیشرفت می‌کنند. افراد امت، تعالی خویش را در گرو یاری دیگران می‌دانند. شمولیت پیروان ملت حنیف از گستره عظیم نظام فراطمدنی امت خبر می‌دهد که علاوه بر مسلمانان، همه انسانهای حق‌گرای عالم را در بر می‌گیرد. مصادیق «امت وسط»، امامان امت‌اند که همواره مردم را در مسیر توحیدی امت حرکت می‌دهند و هرگز از وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر غافل نمی‌شوند. «امت وسط» در حقیقت بهترین امت است (آل عمران: ۱۱۰) و قرآن کریم آنها را چنین معرفی می‌کند: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ». (اعراف: ۱۸۱)

از نظر کمی، همه انسانها مجوز و قابلیت جذب در امت را دارند. گرایش فطرت همه انسانها به پاکی‌ها و خیر و بیزاری از همه زشتی‌ها و ظلمها، سبب جذب حداکثری مظلومان عالم و به تبع، افزایش گستره انسانی نظام امت می‌شود. تشکیل چنین ابرنظام تمدنی، از یک سو زمینه آشنایی و البته شیفتگی به دین مبین اسلام را به بهترین شکل ممکن فراهم می‌کند و از سوی دیگر، هر اندازه گستره امت وسیع‌تر شود، مستکبران عالم رو به ضعف و نابودی رفته، زمینه‌سازی حکومت حجت خدا بر زمین فراهم می‌شود. از نظر کیفی، همه انسانهای آزاده و حق‌گرای عالم، در هر زمان و مکان و زبان، سازندگان این امت‌اند که با ایثار جان و مال خود و با تبعیت از ملت حنیف، فطرت خفته خویش را بیدار کرده و با نور فطرت خویش، چراغ هدایت و نجات‌بخش بشریت به دین کامل آخرالزمانی‌اند.

منابع

- قرآن حکیم. ترجمه محمد فقیهی رضایی به همراه گروهی از محققان (۱۳۹۳). تهران: مرکز طبع و نشر قرآن ج.۱. ایران.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۶). قم: الهادی، چ دهم.
- آلوسی، سید محمد (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلم.
- ابن اثیر جزری (۷۱۵ ق). تنمی جامع الاصول. عربستان: مکتبی النجاری.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن درید، محمد بن الحسن (۱۹۸۸ م). جمهوره اللغه. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغه. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چ سوم.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- احمدی، ظهیر (۱۳۸۸). «مفهوم شناسی امت در قرآن و اجتماع». پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۲.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). تهذیب اللغه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۹). جستارهای نظری در اسلام تمدنی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بابایی، حبیب الله (۱۳۹۳). کاوشهای نظری در الهیات و تمدن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بغوی، حسن بن مسعود (۱۴۲۰ ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- تابان، جعفر (۱۳۷۹). «دین حنیف از دیدگاه قرآن». صحیفه مبین، ش ۲۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). ادب فنای مقربان؛ شرح زیارت جامعه کبیره. قم: اسراء، چ نهم.
- خوش منش، ابولفضل (۱۳۹۳). «ام‌القرای پایگاه جهانی امت وسط». پژوهشهای قرآن و حدیث، ش ۴۷.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربی، چ سوم.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۶). «رهنمودهایی از تفسیر المیزان: امت وسط یا امت واسطه». رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، ش ۶۴.
- سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ ق). فی ظلال القرآن. بیروت- قاهره: دارالشروق، چ هفدهم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق). الدرالمنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شافعی، محمد بن طلحه (۱۴۱۹ ق). مطالب السوول. بیروت: مؤسسه البلاغ.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق). المحيط فی اللغة. تحقیق و تصحیح: محمدحسن آل یاسین. بیروت: عالم الکتب.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو، چ سوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

مصادقیابی و ارتباطسنجی «امت وسط» و پیروان ... ♦ ۱۳۹

- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق). **تفسیر نورالثقلین**. قم: اسماعیلیان، چ چهارم.
- غیائی، نقی و قدرت‌الله نیازی (۱۳۹۵). «امت وسط از دیدگاه مفسران فریقین». *مطالعات تفسیری*، ش ۲۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق). **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**. بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ سوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). **کتاب العین**. قم: هجرت، چ دوم.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ ق). **تفسیر الصافی**. تهران: الصدر، چ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**. قم: دارالهجره، چ دوم.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). **تفسیر نور**. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ یازدهم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). **الجامع لاحکام القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸). **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
- مردن، سیمون (۱۳۸۳). **فرهنگ در امور جهانی در جهانی شدن سیاست روابط بین‌الملل در عصر نوین بین‌المللی**، ج ۲. ترجمه گروهی از مترجمان. تهران: ابرار معاصر.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. بیروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیه، چ سوم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۴). «تمدن به مثابه سطح تحلیل». *نقد و نظر*، سال بیستم، ش ۴.
- یافعی (۱۴۱۷ ق). **مرآة الجنان**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- Katzenstein, Peter. J. (2011). **Civilizational state secularism and religion**. Craig.

- **The Holy Quran.**
- **Nahj al-Blaqeh.** Translation Muhammad Dashti (2007). Qom: Al-Hadi Publications, The tenth Edition.
- Abu Hayyan, Muhammad ibn Yusuf (1420 AH). **Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir.** Beirut: Dar al-Fekr.
- Alusi, Sayed Muhammad (1415 AH). **Ruh al-Maani fi Tafsir al-Quran al-Azim.** Beirut: Dar al-Ketab al-Ilmiyah.
- Arusi Hoveizi, Abd Ali ibn Jomee (1415 AH). **Tafsir Noor al-Saghalein.** Qom: Ismaeilean Publications, Fourth Edition.
- Azhari, Muhammad ibn Ahmad (1421 AH). **Tahzib al-Lughah.** Beirut: Dar Ehya al-Turas al-Arabi.
- Babaei, Habibollah (2020). **A Theoretical inquiry into Civilized Islam.** Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Babaei, Habibollah (2014). **Theoretical Explorations in Theology and Civilization.** Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Bahrani, Hashem ibn Soleiman (1416 AH). **Al-Borhan fi Tafsir al-Quran.** Tehran: Beisat Foundation.
- Baqavi, Hassan ibn Masoud (1420 AH). **Maalem al-Tanzil fi Tafsir al-Quran.** Beirut: Dar Ehya al-Turas al-Arabi.
- Faiz Kashani, Molla Mohsen (1415 AH). **Tafsir al-Safi.** Tehran: Al-Sadr Publications, Second Edition.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Omar (1420 AH). **Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Qeibe).** Beirut: Dar al-Ehya al-Turas al-Arabi, Third Edition.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1409 AH). **Ketab al-Ein.** Qom: Hejrat Publication, Second Edition.
- Fayyumi, Ahmad ibn Muhammad (1414 AH). **Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir lil Rafii.** Qom: Dar al-Hijrah Institute, Second Edition.
- Gharaati, Mohsen (2004). **Tafsir Noor.** Tehran: Cultural Center of Lessons from the Quran, Eleventh Edition.
- Ghiasi, Naghi & Ghodrtollah Niazi (2016). “**Meddian Ummah from the Point of the view of the Commentators of the two Sects**”. *Interpretive Studies*, No.25.
- Ghortobi, Muhammad ibn Ahmad (1985). **Al-Jame le Ahkam al-Quran.** Tehran: Naser Khosro Publications.
- Ibn Athir Jazari (715 AH). **Tatemi Jame al-Osul.** Saudi Arabia: Maktab al-Najari.
- Ibn Durayd, Muhammad ibn Hasan (1988). **Jumhurah al-Lughat.** Beirut: Dar al-Ilm lil Mallain.

- Ibn Fares, Ahmad ibn Fares (1404 AH). **Maqayis al-Luqah**. Corrector: Abd al-Salam Muhammad Harun. Qom: Mactabt Aalam al-Islami.
- Ibn Jozi, Abd al-Rahman ibn Ali (1422 AH). **Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir**. Beirut: Dar al-Ketab al-Almiyah.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Mokrem (1414 AH). **Lisan al-Arab**. Beirut: Dar Sader, Third Edition.
- Javadi Amoli, Abdullah (2013). **Adab Fana Mogharaban Discription of the Pilgrimages of the Great Community**. Qom: Esra, Ninth Edition.
- Khoshmanesh, Abulfazle (2014). “**Umm al-Ghora Global Base of Middle Ummah**”. *Researchers of Quran and Hadith*, No. 27.
- Makarem Shirazi, Naser (1995). **The Commentary of Nemoneh**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Morden, Simon (2004). **Culture in World Affairs in the Globalization of International Relations Politics in the Modern International Era**. Translated by a group of translators. Tehran: Abrar Moaser.
- Morteza Zobeidi, Muhammad ibn Muhammad (1414 AH). **Taj al-Arous men Javaher al-Ghamous**. Beirut: Dar al-Fekr.
- Mustafawi, Hassan (1430 AH). **Al-Tahqiq fi Kalamat al-Quran al-Karim**. Beirut-ghahereh-Landon: Dar al-Kutub al-Islamiyah, Third Edition.
- Norozi Firooz, Rasoul (2015). “**Civilization as a Level of Analysis**”. *Naghd and Nazar*, Twentieth Year, No. 4.
- Qomi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Reza (1989). **Tafsir Kanz al-Daqaeq and Bahr al-Qaraeb**. Tehran: Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1986). **Al-Forghan fi Tafsir al-Quran be al-Quran**. Qom: Islamic Culture Publications, second Edition.
- Saheb, Ismaeil ibn Ebad (1414 AH). **Al-Mohit fi al-Loqah**. Research and Correction: Muhammad Ale Yasin. Beirut: Alam al-Kutub.
- Sayed Ghotb, Ibn Ibrahim Shazali (1412 AH). **Fi Zelale al-Quran**. Beirut- Ghahereh: Dar al-Shorugh, seventeenth Edition.
- Shafei, Muhammad ibn Talhe (1419 AH). **Mataleb al-soul**. Beirut: Al-Balaq Institute.
- Soyuti, Abd al-Rahman ibn Abibakr (1404 AH). **Al-Dorr al-Mansur fi Tafsir al-Maasour**. Qom: library of Ayatollah Marashi Najafi.
- Souzanchi, Hossein (2007). “**Guidelines for the Interpretation of Al-Mizan: Median Ummah or Intermediary Ummah**”. *Roshd: Amuzesh Quran and Maaref Islami*, No. 64.
- Taban, Jafar (2000). “**The upright Religion from the Perspective of the Quran**”. *Mobin Sahifeh*, No. 23.

- Tabari, Abu Jafar Muhammad ibn Jarir (1412 AH). **Jami al-Bayan Fi Tafsir al-Quran**. Beirut: Dar al-Marifah.
- Tabrisi, Fazl ibn Hassan (1993). **Majma al-Bayan fi Tafsir al- Quran**. Tehran: Naser Khosro Publications, Third Edition.
- Tabatabaei, Sayed Muhammad Hossein (1417 AH). **Al-Mizan fi Tafsir al-Quran**. Qom: Qom Seminary Teachers Association Islamic Publications Office, Fifth Edition.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan (No Date). **Al-Tebyan fi Tafsir al-Quran**. Beirut: Dar al-Ehya al-Turas al-Arabi.
- Yafei (1417 AH). **Meraat al-Janan**. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmi.
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar (1407 AH). **Al-Kashaf an Haqayeqe Qawamez al-Tanzile**. Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, Third Edition.

